خبر

برداشت آب از ۳۰۰ دشت کشور ممنوع شد

● **ایسنا:** معاون حفاظت و بهره‌برداری شرکت مدیریت منابع آب ایران با اشاره به وجود بیش از ۵۰۰ دشت در کشور، گفت: از این تعداد نزدیک به ۳۰۰ دشت ممنوعه اعلام شده است. جهانگیر حبیبی در نشست تخصصی آب با هدف توسعه پایدار با بیان اینکه بیش از ۸۴/۵ درصد از سطح کشور را مناطق نیمه‌خشک و خشک و بیابانی تشکیل می‌دهند، افزود: تنها ۱۵تا۱۶درصد از کشور دارای آب‌وهوای مرطوب است که اما طی چندسال اخیر تغییر اقلیم، تاثیر زیادی بر منابع آبی کشور گذاشته است. حبیبی با بیان اینکه سهم کشاورزی در استان از منابع زیرزمینی ۹۰درصد است، خاطرنشان کرد: سهم صنعت نیز از منابع زیرزمینی ۱۰درصد است.

ثبت ۲۶هزار پرواز عبوری از آسمان ایران

● **تسنیم:** معاون عملیات هوانوردی شرکت فرودگاه‌ها از انجام ۴۷هزارو۹۴۰ پرواز داخلی، بین‌المللی و عبوری در مهرماه سال‌جاری خبر داد و گفت: این تعداد پرواز نسبت به‌مدت مشابه سال گذشته ۳۵/۳درصد رشد داشته است. ابراهیم شوشتری با بیان اینکه پروازهای انجام‌شده در مهرماه امسال حاکی از افزایش ۱۲هزارو۵۱۹ سورتی پرواز است، تعداد پروازهای داخلی در مهرماه را ۱۳هزارو۴۹۴ پرواز اعلام کرد و افزود: در این بخش نسبت به مهرماه سال گذشته، ۳/۹درصد کاهش داشته‌ایم. شوشتری بیشترین سهم پروازهای انجام‌شده را متعلق به پروازهای عبوری دانست و گفت: در این بخش با انجام ۲۶هزارو۹۳۵ پرواز شاهد رشد ۷۹/۱درصدی بوده‌ایم. وی خاطرنشان کرد: پروازهای بین‌المللی در ماه گذشته شش‌هزارو۷۲۲ پرواز بوده که این رقم در مهرماه سال۹۲، بیش از پنج‌هزار پرواز بوده که این رقم نشان‌دهنده رشد ۲۰/۲درصدی است.

درآمد مالیاتی ۳۳هزار میلیارد تومانی

● **مهر:** رییس کل سازمان امور مالیاتی کشور درآمدهای هفت‌ماهه مالیاتی کشور را ۳۳هزار میلیارد تومان اعلام کرد و گفت: ۹۵درصد درآمدهای پیش‌بینی‌شده برای این مدت محقق شده و این رقم ۵۴درصد نسبت به‌مدت مشابه سال گذشته افزایش داشته است. علی عسکری، دیروز در حاشیه همایش بازرسان سازمان امورمالیاتی کشور در جمع خبرنگاران در مورد فاصله درآمدهای مالیاتی با بودجه کشور گفت: این درآمدها نسبت به بودجه، حدود پنج‌درصد انحراف دارد، زیرا ۹۵درصد درآمدهای پیش‌بینی‌شده مربوط به هفت‌ماهه محقق شده است. معاون وزیرامور اقتصادی و دارایی درباره پیش‌بینی درآمدهای مالیاتی در بودجه سال ۹۴ اظهار کرد: هم‌اکنون مقدمات کار برای بودجه سال ۹۴ آغاز شده اما در مراحل مقدماتی هستیم. برنامه‌ریزی‌ها در این زمینه به‌گونه‌ای است که اقدامات لازم براساس برنامه‌های معاونت نظارت راهبردی رییس‌جمهوری انجام شود.

هشدار دوباره بانک مرکزی

صرافان بدون مجوز فقط تا پنجم آذر مهلت دارند

● **ایسنا:** در پی ایراد و ابهامات مطرحه صرافان نسبت به نامه اخیر بانک مرکزی در رابطه با تعیین مهلت زمانی تمدید اعتبار براساس دستورالعمل جدید، بانک مرکزی اعلام کرد با اتمام اعتبار مجوز صرافی‌ها، آنها از منظر این بانک دارای مجوز تلقی نشده و مشمول مهلت دستورالعمل نیستند. با بازنگری شورای پول و اعتبار در دستورالعمل مربوط به فعالیت صرافی‌ها که در مرداد سال گذشته تدوین شد و آنها را موظف به انطباق با آن کرده بود مهلت دیگری برای سازگاری صرافان با قوانین جدید تعیین شد. بنابر ماده (۴۵) دستورالعمل اجرایی تاسیس، فعالیت و نظارت بر صرافی‌ها مصوب ۲۸مرداد سال۱۳۹۳، صرافی‌های موجود دارای مجوز از بانک مرکزی تا تاریخ ابلاغ دستورالعمل، موظفند حداکثر ظرف مدت شش‌ماه از تاریخ تصویب، وضعیت خود را با مفاد آن تطبیق دهند. همچنین مهلت تطبیق برای چند بند دیگر یک‌سال تعیین شد. همچنین در کنار سایر بندهای آن در موارد مربوط به افزایش سرمایه نیز تغییراتی ایجاد و عنوان شد که تقسیم‌بندی صرافی‌ها به دونوع اول و دوم حذف و آنها می‌توانند بر حسب توان و ظرفیت خود، نسبت به خریدوفروش نقدی ارز و انجام عملیات مربوط به حواله‌های ارزی اقدام کنند. اما در حالی که صرافی‌ها با وجود برخی انتقادات نسبت به بخش‌هایی از دستورالعمل جدید حداقل بهمن‌ماه را پایان مهلت خود تصور می‌کردند بانک مرکزی در پنجم‌مهرماه در نامه‌ای به صرافی‌هایی که تاریخ اعتبار مجوز آنها تمام شده بود اعلام کرد باید تا دوماه بعد یعنی پنج‌آذرماه سال‌جاری نسبت به ارایه مدارک برای تمدید اعتبار اقدام کنند در غیراین‌صورت نسبت به جلوگیری از ادامه فعالیت آنها اقدام خواهد شد.

قیمت‌گذاری محصولات به ضرر اقتصاد کشور است

● **ایسنا:** رییس سازمان توسعه تجارت گفت: زمانی که برای عرضه کالا قیمت‌گذاری صورت می‌گیرد تنها موجب ایجاد واحدهای پایین‌دستی غیرضروری می‌شود، به همین دلیل می‌توان گفت قیمت‌گذاری در محصولات به ضرر اقتصاد کشور است. ولی‌الله افخمی، معاون وزیر صنعت، معدن و تجارت در همایش تجلیل از صادرکنندگان صنایع کوچک با بیان اینکه شهرک‌های صنعتی فعالیت خود را برای افزایش صادرات انجام داده‌اند، گفت: در دولت جدید در تمام برنامه‌ها تاکید زیادی به صادرات شده است.

موسسه دین و اقتصاد برگزار کرد

نقد کتاب «عقلانیت (نابه‌روال)»

وحید صابری: کتاب «عقلانیت (نابه‌روال)» کتابی است که به‌تازگی توسط محسن رنانی و اصلان قودجانی ترجمه شده است. نویسنده این کتاب دکتر استیون لندزبرگ نام دارد و عنوان فرعی این کتاب هم «نگاه اقتصادی نامتعارف به پدیده‌های متعارف» است. روز گذشته این کتاب در موسسه دین و اقتصاد، توسط علی عرب‌مازاریزدی به نقد کشیده شد. قرار بود محسن رنانی نیز در این جلسه سخنرانی داشته باشد که فرصت حضور نیافت اما وی متنی فرستاد تا در جماعت حاضران خوانده شود. این کتاب شامل ۱۶فصل است که در سه‌بخش کلی تنظیم شده. بخش اول به حوزه‌های اقتصاد، بخش دوم به حوزه‌های حقوقی و سیاسی و بخش سوم به حوزه‌های اجتماعی و فرهنگی می‌پردازد. تلاش این کتاب معطوف کردن نگاه اقتصادی است به تمامی جنبه‌های روزمره حیات اجتماعی؛ از مساله زادوولد گرفته تا رقابت در همسریابی. امروزه علمای علم اقتصاد، در تعریف این رشته از علم، علم اقتصاد را علم انتخاب می‌دانند. موضوع اصلی اقتصاد در سطح خرد تئوری انتخاب است. این کتاب نیز به عقلانیت فردی در کنش‌ها و انتخاب‌های اجتماعی می‌پردازد؛ موضوعی جدید و جذاب که علم اقتصاد را از جایگاه کلیشه‌ای خود خارج کرده و وارد عرصه تحلیل رفتارهای به‌ظاهر نامعقول اجتماعی می‌کند. این کتاب توسط نشر علم چاپ شده و به قیمت ۱۵۵۰۰تومان در بازار کتاب موجود است.

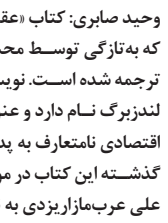

محسن رنانی

این نشست برگزار شده تا در مورد کتاب «عقلانیت نابه‌روال» سخن گفته شود. از آنجا که دوست و همکار من در ترجمه این کتاب، آقای اصلان قودجانی در باب محتوای فصول کتاب سخن خواهند گفت و ناقدان نیز نکات خویش را مطرح خواهند کرد، من وارد محتوای کتاب نمی‌شوم و به نکاتی درباره خود مساله «عقلانیت» می‌پردازم. من مساله عقلانیت را یک پروژه ملی می‌دانم و توسعه از نگاه من به معنی عبور یک ملت از یک سطح عقلانیت به سطح دیگر عقلانیت است.

هیچ علمی بدون نردبان عقلانیت به بام شناخت راه نخواهد برد و هیچ ملتی بدون سرمایه‌گذاری در پروژه عقلانیت، جاده توسعه را نخواهد یافت. پس لازم است تا در باب عقلانیت بسی بیش از آنچه تاکنون سخن رفته است اندیشه و گفت‌وگو کنیم.

همان‌گونه که وجه ممیز انسان از حیوان، عقل است، وجه ممیز انسان توسعه‌یافته از انسان توسعه‌نیافته و انسان مدرن از انسان پیشامدرن «عقلانیت» اوست. بسا انسان‌ها که دارای قوه «عقل» هستند اما از عقلانیت بی‌بهره‌اند و بسا جوامعی که بهره هوشی ساکنانشان بسیار بالاست اما توان بهره‌بردن از سرمایه عقل را ندارند. و در این میان علم اقتصاد از همه علوم دیگر متمایز است. علوم طبیعی اصولا نگران عقل نیستند. موضوع آنها طبیعت و قوانین حاکم بر آن است. تقریبا همه علوم انسانی غیر از اقتصاد نیز گرچه از انسان یعنی حیوانی که دارای قوه نطق یا قوه عقل است سخن می‌گویند اما هیچ‌کدام از آنها «عقلانیت» انسان را مفروض نمی‌گیرند. روانشناسان بر رفتارهایی تمرکز دارند که عمدتا ریشه در عاطفه و احساس دارند و جامعه‌شناسان بر رفتارهایی تمرکز دارند که ریشه در کنش‌ها و نهادهای اجتماعی دارند. در میان همه علوم تنهاوتنها اقتصاد است که تمام دستگاه عظیم فکری خود را بر فرض عقلانیت نهاده است. یعنی این علم فراخ تمامی کاخ اندیشگی خویش را بر سنگ‌بنای عقلانیت نهاده است. پس علم اقتصاد از دو منظر بر عقلانیت استوار شده است. یکی از منظر موضوع مطالعه‌اش و دیگری از منظر شیوه اندیشه‌ورزی‌اش.

اما دریغ که هنوز هم، در جامعه ما و حتی گاهی در میان نخبگان ما و متاسفانه گاهی در میان اقتصاددانان ما نیز تمایزی میان «عقل» و «عقلانیت» نهاده نمی‌شود. «عقل» یک پدیده یا ویژگی فیزیولوژیک و یک موهبت الهی است که ذاتی همه انسان‌هاست و در فرآیند خلقت تا هنگام زاده‌شدن به آنها عطا می‌شود در حالی که «عقلانیت» یک توانایی اکتسابی و یک پدیده اجتماعی و تاریخی است که به‌تدریج شکل می‌گیرد و از جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت است؛ درست مثل عادات غذایی یا الگوی پوشش یا حتی زبان ملت‌ها. همه ملت‌ها زبان دارند و بالاخره از طریق همین زبان با یکدیگر سخن می‌گویند و ارتباط می‌گیرند اما ماهیت زبان ملل کاملا متفاوت است و چنین می‌شود که با زبانی مثل فارسی بهتر و ساده‌تر می‌توان زوایای پیچیده احساس انسانی را بیان کرد و با زبانی مثل انگلیسی بهتر و ساده‌تر می‌توان مفاهیم دقیق فلسفی و علمی را بازگشود و عقلانیت‌ها نیز دقیقا همین تفاوت‌ها را دارند. عقل یک «قوه» است و عقلانیت یک «مهارت». همان‌گونه که همه انسان‌ها قوه خوشنویسی یا نواختن موسیقی یا وزنه‌برداری را دارند اما فقط برخی از انسان‌ها این قوه را به مهارت تبدیل می‌کنند. همه انسان‌ها نیز قوه عقل را دارند اما تبدیل این قوه به مهارتی کاربردی و مفید به اسم «عقلانیت» نیازمند محیط مناسب، سرمایه‌گذاری، آموزش، تمرین و ممارست است.

داستان عقلانیت داستان بلندی است که باید در زمانی شایسته و با ظرافتی بایسته، به آن پرداخته شود و در اختیار طالبان قرار گیرد و هیچ ملتی تا این داستان را نپردازد و این شعر را نسراید پا به سراپرده توسعه نخواهد گذاشت که توسعه چیزی نیست جز توانایی نهادهای یک ملت در تبدیل قوه عقل مردمانش به مهارتی به نام عقلانیت و تبدیل سطوح ساده این مهارت به سطوح بالاتری مهارت.

انگیزه من برای مشارکت در ترجمه و انتشار کتاب «عقلانیت نابه‌روال» همین بود که نشان دهم بسیاری از پدیده‌هایی که ما آنها را عقلانی می‌دانیم عقلانی نیستند و تنها کافی است زاویه نگاه خود را تغییر دهیم تا متوجه این مساله شویم. بنابراین اگر تحلیل عقلانی پدیده‌ها بستگی به زاویه نگاه ما دارد پس عقلانیت هر فرد یا ملتی تابع زاویه نگاه او خواهد بود. و چنین بوده است که ۳۰سال است سیاست‌های ما برای مبارزه با مصرف و قاچاق موادمخدر ظاهرا برنامه‌هایی عقلانی تلقی می‌شوند و همواره از آن دفاع می‌کنیم و چه هزینه‌ها و چه خسارت‌ها و چه شهدا و چه اعدام‌ها و چه زندان‌ها که در مسیر این مبارزه از کف نداده‌ایم اما با وجودی که هیچ موفقیتی در این راه کسب نکرده‌ایم، هنوز نگاه ما به مساله اعتیاد و مصرف و قاچاق موادمخدر همان است که ۳۰سال پیش بوده است و سیاست‌های ما در این زمینه هیچ تغییری نکرده است. آیا در این ۳۰سال دستگاه‌های سیاستگذاری ما عقلانی عمل نکرده‌اند و مدیرانی فاقد عقل یا فاقد عقلانیت بر این دستگاه‌ها حاکم بوده‌اند؟ خیر، آنان، هم دارای عقل و هم دارای عقلانیت بوده‌اند اما عقلانیت آنها تابع زاویه دید آنها بوده است. در متدولوژی جدید گاهی این زاویه دید را «ایدئولوژی» نیز می‌خوانند. کافی بود سیاستگذاران ما زاویه دید خود را عوض می‌کردند آن‌گاه نتیجه عوض می‌شد و البته این تغییر زاویه دید تابع عوامل اجتماعی و تاریخی است. چنین است که می‌گویم عقلانیت یک پدیده تاریخی و اجتماعی است.

اصلی‌ترین هنر کتاب «عقلانیت نابه‌روال» همین است که با مثال‌های ساده این تحول در نگاه عقلانی را به ما گوشزد می‌کند. همان‌گونه که در فصل اول - که به‌عنوان مقدمه مترجمان در ابتدای کتاب آمده است - توضیح داده‌ایم در این کتاب البته مواردی از سفسطه و خطای تحلیل قابل مشاهده است و برخی داوری‌هایش نیز از نظر دستگاه ارزشی ما ایرانیان مردود است اما درعین‌حال مثال‌هایی ملموس از «عادات غیرعقلانی» ما می‌آورد که نشان می‌دهد تا چه حد عقلانیت ما تابع محیط ما و مفروضات ما و انگاره‌های ماست.

یکی از آرزوهای من این بوده است که بتوانم پژوهشی جدی در باب عقلانیت ایرانی به انجام رسانم. امیدوارم که با این کتاب گفت‌وگو در این‌باره آغاز شود و انگیزه کافی در من و دیگر پژوهشگران ایرانی ایجاد کند که زوایای عقلانیت ایرانی را بیشتر واکاوی کنیم. چنین باد.

علی عرب‌مازاریزدی

عنوانی که مترجمان با اقتباس از عنوان فرعی کتاب برای این اثر انتخاب کرده‌اند عنوان جذابی است. اما از نظر من محور اصلی کتاب برخلاف نظر دکتررنانی سیر تحول عقلانیت نیست. نکته دیگر اینکه مقدمه مترجم مقدمه مناسبی نیست. مقدمه مترجم چند کار را باید انجام دهد. نخست نویسنده کتاب را معرفی کند که متاسفانه این اتفاق نیفتاده. وظیفه دیگر مقدمه این است که مترجمان، یک معرفی اجمالی از محتوای کتاب ارایه کنند و خود مترجمان نیز اگر دیدگاهی نسبت به مطالب کتاب دارند آن را منعکس کنند که این اتفاق هم نیفتاده. ویژگی اصلی این مقدمه اعلام برائت از محتوای کتاب است برای اینکه مترجمان خود را از برخی تحلیل‌ها بری بدانند. به این هم اکتفا نشده و در زیرنویس‌ها هم مجددا این اعلام برائت تکرار شده است. این مقدمه یک ویژگی دارد و آن ایجاد انگیزه‌ای در مخاطبان است برای تامین نسخه اصلی کتاب و خواندن فصل اولی که حذف شده است. این خودسانسوری و خودممیزی و تاکید بر آن در مقدمه چنین حسی را به وجود آورده است. از آنجا که خود مولف هم مقدمه‌ای ندارد این نقایص را پررنگ می‌کند.

این کتاب از دوحیث نامتعارف است. یکی از حیث نوع نگاه و تحلیل پدیده‌ها و دومی که از نظر من مهم‌تر است نگاه اقتصادی به نوع پدیده‌هایی است که معمولا اقتصاددانان در ایران به آن توجه نمی‌کنند و این ویژگی در محافل اقتصادی ایران شدیدتر است. این نگاهی است که گری بیکر در نطق نوبل خود آن را نگاه اقتصادی به زندگی نام‌گذاری کرد. نویسنده در این کتاب سعی کرده هر پدیده‌ای را که در جامعه با آن مواجه بوده است تحلیل اقتصادی کند. این خارج‌کردن اقتصاد از کلیشه‌های سنتی و یافتن موضوعات بکر برای تحلیل‌ومطالعه اقتصادی است. خود مولف در توصیف این ویژگی می‌گوید: «انقلابی‌ترین افکار همیشه تا زمانی که به آنها عادت کنی دیوانه‌وار جلوه می‌کنند.» او از منظر اقتصادی به تحلیل موضوعاتی مانند باروری، زیبایی و زیبارویی، کودکان کار، نقش رقابت در همسریابی در شکل‌گیری پس‌انداز و ده‌ها موضوع دیگر پرداخته است. بنابراین من برخلاف تیتر این کتاب، معتقدم بیش از اینکه به عقلانیت اقتصادی بپردازد، زاویه دید ما را باز می‌کند تا به دنیای پیرامونی خود به‌گونه‌ای دیگر نگاه کنیم.

فصلی که از نظر من قابل‌توجه و جالب است فصل دوم است با عنوان «بارور باش و زادوولد کن». این‌یک بیانیه اقتصادی و اجتماعی است در دفاع از ازدیاد نسل و افزایش جمعیت. مولف سعی کرده استدلال‌هایی را در توجیه این شعار ارایه کند. مثلا می‌گوید که این‌همه پیشرفت بشر توسط انسان‌ها به وجود آمده، پس هرچه تعداد آدم‌ها بیشتر باشد احتمال پیشرفت بیشتر می‌شود. این استدلال‌ها با اینکه غریب به‌نظر می‌رسد اما از آنجا که کلیشه‌های ذهنی ما را به‌هم می‌ریزد، بخشی از پیشرفت علم مدیون همین ایده‌های جسورانه است. بااین‌حال این بخش یک‌ضعف عمده هم دارد. نویسنده در این بخش از مقام عالم خارج می‌شود. عالم علوم انسانی دو وظیفه دارد: اول اینکه رفتار انسان‌ها را تحلیل کند و دوم این است که وارد عرصه تجویز می‌شود و بایدهاونبایدها را از نظر دستگاه ارزشی خود بیان می‌کند. از نظر من مولف در این بخش هیچ‌کدام از این مسوولیت‌ها را ایفا نمی‌کند. رفتار بشر اینگونه بوده که از ۰/۴درصد در قرن۱۸ میلادی تا دهه‌های اول‌قرن‌بیستم سیر افزایش جمعیت را شروع و بعد یک‌مسیر نزولی را طی می‌کند. اگر یک اقتصاددان بخواهد پدیده رشد جمعیت را توضیح دهد باید به این بپردازد که چرا رشد جمعیت کاهش پیدا کرده است. از لحاظ اقتصاد تجویزی هم مولف باید مشخصات وضعیت ایده‌آل را مشخص کند. مولف هیچ‌کدام از این دو موضع را ندارد.

نگاه‌های دیگر به کتاب

کتاب «عقلانیت (نابه‌روال)» کتابی برای تمرین فکرکردن است. کتاب برای ارایه راه‌حل‌ها و ابتکارهای بی‌عیب‌ونقص نوشته نشده و بسیاری از افکار موجود در آن کامل نیستند ولی به خواننده آموزش می‌دهند حتی برای چند دقیقه می‌توان به پدیده‌های پیرامون به شیوه‌ای دیگر- حتی عکس روال موجود- نگریست. خواننده از مشکلات یا رخدادهای زندگی عملی استفاده می‌کند و با ذکر راه‌حل‌ها یا نگاه‌های عجیب به آنها، به ما می‌فهماند که «جور دیگر هم می‌توان دید.»

استیون لندزبرگ در این کتاب با لحنی مزاح‌گونه از موضوعاتی مانند «خساست، جنسیت نوزاد، کار کودکان، تغییرات رخ داده در اندازه کارت‌های اعتباری به مرور زمان، اثر مادرشدن بر دورنمای شغلی زنان و دستمزد ایشان، چگونگی تعبیرکردن اخباری که می‌شنویم و...» روش نگرش شوخی‌وار و دگرگون خود را مطرح می‌کند. وی همانند هر انسان دیگری در این بازی فکری گاهی به خطا می‌رود و گاهی هم با مطرح‌کردن افکاری بسیار بدیع و ناب، خنده و شگفتی در خواننده برمی‌انگیزد. نویسنده در فصل «خساست» چنین می‌نویسد:

«در همه‌جای دنیا هیچ‌کس سخاوتمندتر از خسیس نیست؛ خسیسان همان‌هایی هستند که می‌توانند منابع زمین را به اتمام بکشند ولی چنین نمی‌کنند... . ذخیره طلای یک معدن مانند ذخیره طلای گاوصندوق است: تا وقتی کسی آن را بیرون نیاورده و خرج نکرده، ضرری ندارد... . معدنکاری طلا بسیار به آلایندگی شبیه است یعنی موادی بی‌ضرر را از طبیعت بیرون کشیده، آن را به چیزی مضر تبدیل می‌کند؛ ... فرد خسیس، تصویر آینه‌وار یک معدنکار است: آنچه معدنکار از حفاری‌هایش بالا می‌آورد، شخص خسیس (حداقل به شکل مجازی و گاهی به معنای واقعی کلمه) دوباره به دل زمین برمی‌گرداند. پس اگر باید از معدنکاران مالیات گرفت، به خسیس‌ها باید یارانه داد...» از همان آغاز با مروری بر عناوین فصول کتاب می‌توان به وجه تسمیه کتاب و نامتعارف‌بودن آن پی برد؛ فصولی مانند: «بارور باش و زاد و ولد کن»، «آنچه از خساست می‌پسندم»، «کودکان شاغل»، «خدایا، نه! دختر است»، «تاوان سنگین مادربودن»، «مسوول بانک مرکزی روح ما»، «مباحث زندگی و مرگ» و «چگونه اخبار را تعبیر کنیم». نویسنده در همه این فصول شکل نگرش نامتعارف خود به پدیده‌ها را به زبانی صریح و بی‌پروا مطرح کرده و باک به دل راه نداده که شاید برخی از آن جرقه‌های فکری مورد نقد تند یا تمسخر قرار بگیرند. کتاب فرصتی خوب برای کسانی است که عادت نکرده‌اند حتی سرسوزنی از قواعد متعارف عدول کنند، سرگرمی خوبی برای چنددقیقه تفکر به شیوه‌ای دیگر قبل از خواب‌شبانه است و آشتی فکورانه‌ای با رویاپردازی‌ها و خلاقیت‌های دوران کودکی- البته با رنگ‌ولعاب بزرگسالی و معلومات و اصطلاحات غیرکودکانه- است.

کتاب «عقلانیت نامتعارف» و نویسنده آن از خطا و اشتباه مصون نبوده‌اند ولی حتی وقتی نویسنده در بیان نظر و نگرش خود دچار خطاهای آشکار و افراط یا تفریط می‌شود، مطالب او خواندنی است و به‌ویژه برای خوانندگان ایرانی که به رسم و روال تربیتی این جامعه با نقد قواعد ساری و جاری میانه‌ای ندارند، فرصتی برای کسب این عادت پسندیده است.

گذر

واردات ۲ برابری گندم و ثبت رکورد جدید

● **ایسنا:** با توجه به اینکه در نیمه‌نخست امسال میزان گندم تولیدی و واردات به حدود ۱۰میلیون‌و۴۰۰هزارتن رسید، برای تامین نیاز کشور به واردات دومیلیون‌و۶۰۰هزارتن دیگر نیاز است که البته شیب تند واردات و دوبرابرشدن آن، نشان از رکوردشکنی دیگری در سال‌جاری دارد. امسال حدود شش‌میلیون‌و۷۰۰هزارتن گندم از کشاورزان خریداری شد و میزان واردات این محصول در نیمه‌نخست امسال نیز به بیش از سه‌میلیون‌و۷۰۰هزارتن رسید و در مجموع حدود ۱۰میلیون‌و۴۰۰هزارتن گندم در کشور موجود است که با توجه به نیاز ۱۳میلیون‌تنی سالانه، دومیلیون‌و۶۰۰هزارتن دیگر باید واردات انجام شود. اما شیب تند صعودی واردات گندم در نیمه‌نخست امسال که رشد ۱۶۵درصدی از نظر وزنی نسبت به نیمه نخست سال گذشته داشته و ادامه این روند، واردات گندم را با رکورد تازه‌ای همراه می‌کند. چراکه سال گذشته میزان واردات گندم نسبتا مناسب بود و براساس آمار گمرک در شش‌ماهه نخست سال گذشته یک‌میلیون‌و۴۰۱هزارتن گندم به کشور وارد شد که این میزان در شش‌ماهه نخست امسال بیش از دو برابر افزایش یافت و به سه‌میلیون‌و۷۱۷هزارتن رسید که اگر این روند صعودی واردات گندم ادامه پیدا کند دیگر نمی‌توان به ساماندهی بازار این محصول استراتژیک و خودکفایی آن‌که در دستور کار وزیر جهاد کشاورزی قرار دارد، امیدوار بود.

سقوط قیمت نفت موجب شد

هشدار صندوق بین‌المللی پول به کشورهای خاورمیانه

● **مهر:** صندوق بین‌المللی پول به‌دنبال سقوط قیمت نفت به کشورهای خاورمیانه هشدار داد. صندوق بین‌المللی پول در هشداری به کشورهای خاورمیانه خواستار تغییر در سیاست‌های اقتصادی آنها شد و پیش‌بینی کرد: عربستان به‌عنوان بزرگ‌ترین تولیدکننده نفت منطقه در سال‌جاری با کسری بودجه مواجه خواهد شد. در ادامه این گزارش آمده است: اگر قیمت نفت در یک‌دوره به کمتر از ۵۷دلار در هر بشکه ثابت شود، کشورهای حوزه خلیج‌فارس با کاهش صدمیلیاردی در بودجه خود مواجه خواهند شد. در این گزارش به‌عنوان راه‌حلی برای اصلاح در هزینه‌های اقتصادی، به کنترل یارانه انرژی اشاره شده؛ رقمی که در سال‌های اخیر به‌دلیل قیمت بالای نفت در این کشورها افزایش یافته است.

IEON
Since 1960

Respecting you is our business.

صبحانه متفاوت
ناهاری ویژه

Sam Center: 8th floor, Sam Center
Fereshteh Ave

Tel: (+98-21) 22 65 38 41

www.leon1960.com

Design: HG+/Rakhshani / Photo: ARTEM